

فصلنامه فرهنگی-آموزشی چیستا / شماره ۹ / پاییز ۹۹

دانشگاه فرهنگیان پردیس شهید مدوقی کرمانشاه

چیستا



فهرست

۳	مرگ در بستر یا جهاد تا آخرین نفس ؟
۴	نیمکره راست مغزت را نکش
۶	پوشش معلم چگونه باشد ؟
۷	ریاضی مثل بازی
۹	چگونه با دانش آموز بیش فعال رفتار کنیم ؟
۱۱	تربیبون دانشجو (طنز انتقادی)
۱۳	در ستایش جایگاه کتاب
۱۶	ای جان جان جان من (چرا مولانا ماندگار شد ؟)
۱۸	شاعر آب و آیین (بزرگداشت سهراب سپهری)
۲۰	ورزش درمانی و معرفی گرایش آسیب شناسی و حرکات اصلاحی
۲۱	دوشنبه های قرآنی

نام نشریه: چپستا

دوره انتشار: گاهنامه

تاریخ مجوزنشریه: ۱۳۹۷/۲/۴

نشانی دفترانجمن: کرمانشاه-میدان سپاه

پاسداران- جنب پارک شاهد- دانشگاه

فرهنگیان پردیس شهید صدوقی

زمینه انتشارنشریه: علمی- آموزشی

سردبیر: گلچهره خانلوکی

مدیرمسئول: سپیده سلیمانی

صفحه آرا: شادان ارشدی

هئیت تحریریه:

علی امیری

فاطمه گرجی

سپیده سلیمانی

زهره فضل

کبری پاشایی

فائزه طریقی تابش

کوثرمیرحسینی

پردیس جعفری

نرگس آقایی

زینب جمشیدی

بسیج دانشجویی پردیس شهید صدوقی

ایمیل نشریه: chistamag.cfu@gmail.com



این عنصر علمی کم نظیر جان عزیز و گرانبها را به خاطر تلاش‌های علمی بزرگ و ماندگار خود، در راه خدا می‌ذول داشت و مقام وای شهادت، پاداش الهی اوست. دو موضوع مهم را هم همه ی دست اندرکاران باید به جد در دستور کار قرار دهند، نخست پیگیری این جنایت و مجازات قطعی عاملان و آمران آن، و دیگر پیگیری تلاش علمی و فنی شهید در همه ی بخش‌هایی که وی بدانها اشتغال داشت.

بخشی از سخنان رهبرمعظم در ماجرای ترور شهید فخری زاده.

مرگ در بستری یا جهاد تا آخرین نفس؟

خصلت دانشجو به ایستا نبودن است.

این خاک کم نداشته است احمدی روشن ها و شهریاری ها و امروز فخری زاده ها. ترور ناجوانمردانه شهید محسن فخری زاده رئیس سازمان پژوهش و نوآوری وزارت دفاع ایران که سال‌ها نام او در جوخه های ترور رژیم صهیونیست قرار داشت، از همان ساعات اول شهادت موجب واکنش های مختلفی از سوی فعالان دانشجویی شد.

در آستانه دهمین سالگرد ترور دانشمند برجسته هسته ای کشورمان، دکتر مجید شهریاری، پدر هسته ای ایران در حالی هدف ترور قرار می‌گیرد که انتقام شهریاری‌ها را باریختن بتن در قلب دستاورد هایشان و بستن درب مراکز هسته ای بر روی بازرسان، گرفته ایم.

اما شهادت دکتر محسن فخری زاده باردیگر آتش دل های سوخته مان را شعله ور کرده است. حال پس از ده سال در قتلگاه شهید شهریاری در حالی ایستاده ایم که ناباورانه دوباره خبر شهادت دانشمند هسته ای دیگری را می‌شنویم.

اما این پایان راه نبود و نخواهد بود.

دانشجویان بصیرت را از الگوی شهید خود یاد خواهند گرفت.

در تاریخ این سرزمین گل های خونین زیادی پرپر شده اند و از خونشان جوانه های تازه ای روییده است. امید است ما به عنوان دانشجو معلم که حقیقتاً وظیفه ی سنگین تربیت نسل جوان این مرز و بوم را عهده دار هستیم، هر روز برای رشد علمی و اخلاقی خود، گامی روبه جلو برداریم و تدین و انسانیت و خلوص نیت را از این شاید بزرگوار سرلوحه خدمت و آموزش خود قرار دهیم.

و من الله توفیق

کلچره خانبلوکی (سردبیر)

نیمکره راست مغزت را نکش

سعی کنید بهترین خاطرات دوران مدرسه‌تان را به یاد آورید. بعد از به خاطر آوردن از خودتان این سوال را بپرسید خاطره‌ای که در ذهنتان تداعی شد؛ از گروه‌های دوستانه بود یا مسئله‌های مبهم و غیر قابل حل ریاضی؟ کدام یک از این دو بعد از گذشت زمان لبخند را میهمان لب‌هایتان می‌کند.

در قرن‌های گذشته به دلیل پیشرفت در صنعت، انسان‌ها ناچار به استفاده از بازوی خود بودند و این شیوه زندگی سالیان بسیاری به طول انجامید. پس از پیشرفت کشورها در صنعت، جوامع به انسان‌هایی نیاز داشتند که بتوانند به کمک ذهنشان در شغل‌هایی مانند وکالت، حسابداری و... که مستلزم محاسبه‌گری بود به جوامع خود کمک کنند.

اما از امروز حرف بزنیم؛ امروزه با پیشرفت تکنولوژی در سراسر جهان کارهای انسان‌های قرن‌های گذشته را سیستم‌هایی انجام می‌دهند که بسیار دقیق‌تر و جزئی‌تر از ذهن انسان است. اما سیستم‌ها آیا می‌توانند مفاهیم همدلی و همنوایی را به جوامع امروزی هدیه دهند؟ در عصری که پیشرفت تکنولوژی باعث شده که فعالیت‌هایی نظیر حسابداری با استفاده از برنامه‌ها، به دقیق‌ترین شکل ممکن انجام بگیرد، جامعه انسانی و به ویژه نظام آموزشی به چیزهایی نیاز دارند که از عهده تکنولوژی خارج است. با آزمایشاتی که روی مغز بیماران صرعی انجام شد نتیجه بر آن شد که مغز ما دارای نیمکره است که با تارهای عصبی زیادی از هم جدا هستند. جامعه امروز از عصر اطلاعاتی به عصر مفهومی وارد می‌شود. دنیای گذشته برای ساخته شدن به یک ذهن نیاز داشت و دنیای امروز به ذهن دیگر که نیازمند جنس دیگری از فکر، ذهن و تفکر باشد هستیم. یعنی از عصری که نیمکره‌ی چپ بر نیمکره‌ی راست سیطره داشته است به سمت عصری میرویم که نیمکره‌ی راست بر نیمکره‌ی چپ سیطره دارد.

نیمکره‌ها عملکردهای متفاوتی از هم دارند اما با وجود عملکرد مختلف، آن‌ها مانند یک گروه موسیقی هستند که عدم وجود هر کدام باعث ناقص شدن عملکرد دیگری میشود. در نیمکره چپ، مغز انسان تحلیل‌های منطقی را انجام می‌دهد محاسبه‌گری‌ها، جزئی‌نگری‌ها و جستجوی حقیقت زیرمجموعه عملکرد این مغز هستند. در نیمکره راست خلاقیت‌ها همدلی، همنوایی‌ها، آزاد اندیش بودن، توجه به موضوعات کلان مورد توجه این نیمکره قرار می‌گیرد. مثلاً هنگام نگاه کردن به چهره یک نفر، ممکن است

شما به صورت کلی این شخص را زیبا یا زشت بدانید. اما فرد دیگری با شما هم عقیده نباشد؛ چرا که او معتقد است شخص مورد نظر چشمان زیبایی دارد. کسانی که صورت را به طور کلی می‌بینند نیمکره‌ی چپ و کسانی که صورت را به طور جزئی می‌بینند نیمکره‌ی راستشان قالب است.

در نظام آموزشی «مدرسه» ما نیمکره‌ی راست را می‌کشیم. هدف از نظام آموزشی ما، موفقیت و قبولی در کنکور است و نیمکره راست چون به این مسئله نمی‌تواند کمک کند، آن را خاموش می‌کنیم. در نیمکره راست یکی از مفاهیمی که وجود دارد بحث همدلی است. اینکه دانش‌آموزان با یکدیگر در ارتباط باشند همدیگر را بفهمند احساس همدیگر را درک کنند. اما مدرسه به این دانش‌آموزان برچسب رفیق باز بودن می‌زند و در خاموش کردن این ویژگی با والدین هم دست می‌شود. مثلاً بازی کردن، شوخ طبعی مهمترین دلیلی یک دانش‌آموز از کلاس اخراج می‌شود. در حالی که این مسئله بسیار مهمی در عنصر مفهومی است که بر نیمکره راست مربوط است و گفتن این نکته خالی از لطف نیست که برای زندگی شادتر و بهتر همان چیزهای مهم هستند که در نظام آموزشی نادیده گرفته می‌شود. بیشتر از اینکه برای دانش‌آموزان مهم باشد نمره فلان درسشان چند شده است مهم این بوده که در آن جلسه چه ارتباط انسانی با دیگران داشتند. چند نمونه از عملکردهای نیمکره راست که مدرسه رو به از بین رفتن هستند عبارت‌اند از:

۱. طراحی: مسئله مهم برای دانش‌آموزان به جای پزشک شدن مهندس شدن و هنرمند شدن این است که دانش‌آموزان تفکر طراحی داشته باشند. در قرن گذشته اشیایی که اطرافمان هستند، دارای سودمندی خاصی «و نه اهمیت معنایی» بودند. مهم کارکرد اشیا بود. اما در عصر حاضر علاوه بر سودمندی اشیا به دنبال معنای خاصی در آن‌ها می‌گردیم. شکل، رنگ، نماد آن‌ها مهم است. زمان‌های گذشته نوع پوشش همه افراد یکسان بود اما امروز پوشش هر فرد نشان دهنده نوع نگاه انسان و شخصیت آن فرد است.

۲. بازی کردن: مخالف بازی کردن، افسردگی است. آدم‌ها وقتی می‌خندند و شاد هستند، یادگیری در اوج است. با این وجود هنوز این مطلب به صورت کاربردی در کلاس درس اجرا نشده است. اگر هدف از مدرسه یادگیری و یا هدف کار کردن تولید یک محتوا باشد نباید این مطلب را نادیده گرفت. بازی‌ها و

سرگرمی‌ها را باید جدی گرفت سرگرمی‌های ما تعیین کننده بخش‌های مهمی از زندگی ما هستند. آنقدر که شخص هنگام تفریحات و سرگرمی‌ها تحت تاثیر قرار می‌گیرد، کارهای جدی تاثیر گذار نیستند.

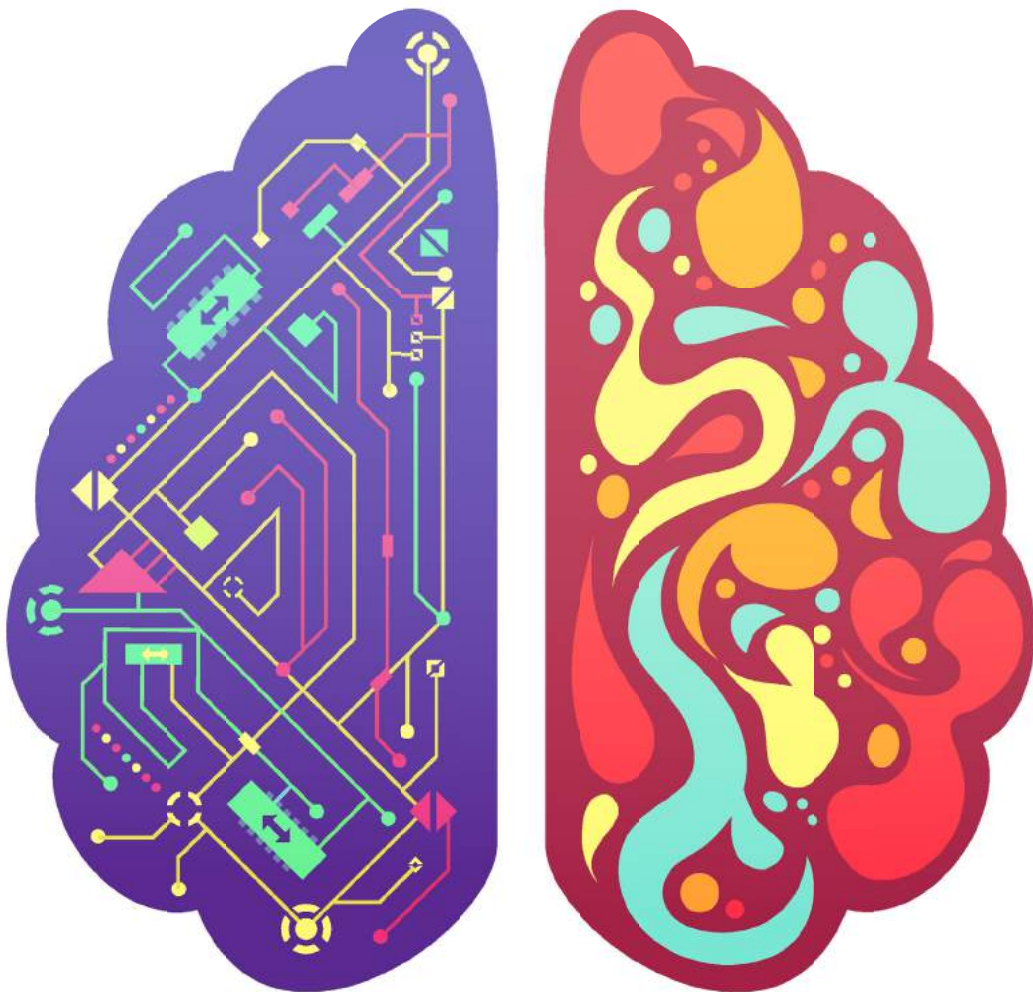
۳. قصه گویی: قصه گویی در زمان تحصیل دانش‌آموزان رو به فراموشی است با این قصه‌ها دنیا را برای خود و اطرافیان توصیف می‌کنیم، می‌فهمیم و درک می‌کنیم. بسیاری از آداب عقایدی که در دوره کودکی آموخته ایم باعث یادگیری ما شده اند.

۴. هم‌نوایی: یعنی کنار هم قرار گرفتن دو یا چند عبارت و مفهوم نا سازگار و بی ربط به هم، کاری که که امروزه سیستم‌های کامپیوتری به عنوان جایگزین نیمکره

چپ نمی‌توانند انجام دهند.

حرف آخر؛ همان طور که در مطالب بالا اشاره شد، جامع په امروزی با وجود پیشرفت در زمینه تکنولوژی و جایگزین شدن آن بجای مغزهای حسابگر نسل‌های قبل، نیازمند عملکردهای نیمکره راست است. کارهایی که از عهده تکنولوژی خارج است. مهم‌ترین گروه برای تقویت نیمکره راست، نظام آموزشی به ویژه مدارس است و این امر مستلزم آگاهی معلمان از تفاوت‌های دانش‌آموزان نسل‌های قبلی با نسل جدید و تقویت این نیمکره از مغز دانش‌آموزان است.

کوثر میرحسینی. مشاوره ۹۸



پوشش معلم چگونه باشد؟

حالا چی بپوشم؟؟؟

تصورتون از لباسی که تودوره تدریستون می‌خواهید بپوشید چیه؟

احتمالا لباس‌هایی که معلم هاتون یا اساتید فعلی می‌پوشن میاد تو ذهنتون، یا مدل‌هایی که به وفور در فضای مجازی دیده می‌شه.

ملاکتون برای این که اون مدل‌هارو دوست داستین چیه؟

رنگشون یا سبکشون یا.....؟

وقتی توی بازار یا بازارالکترونیک مدل‌های اداری رو می‌بینیم اغلب طوسی، سرمه ای و مشکی هستند؛ و قتی که اون‌هارو می‌پوشید مطمئنید که عالی ترین لباس ممکن برای تدریس الان تن شماست

و مطمئنا سرکلاس هم که رفتید دانش آموزاتون خیلی جذب شما و لباستون می‌شن چون که آراستگی فوق العاده ای به شما داده

اما برای چه مدت؟

آراستگی به تنهایی تاچه مدت می‌تونه جذاب باشه؟ می‌زو مندلی‌های قهوه ای و درودیوار سفید حالا هم معلمی که یک روز سرتاپا مشکی می‌پوشه یک روز طوسی و یک روز سرمه ای... ناگفته نماند که مقنعه مشکی پایه ثابت لباس هایش است... خسته کننده نیست؟

درست است شما معلمی شیک پوش و آراسته هستید اما باید توجه کنید که:

- باتوجه به اینکه بیشترین رشد مغز تا سن ۱۲ سالگی است، محیط‌هایی با رنگ‌های گرم و روشن می‌توانند در تحریک یادگیری موثر عمل کنند که متاسفانه این تنوع رنگی در مدارس دیده نمی‌شود

- یکی از مکانیزم‌های اصلی در پاسخ به رنگ‌ها از طریق تاثیر آن‌ها بر فیزیولوژی و مغز است،

رنگ قرمز باعث افزایش ضربان قلب و آبی در کاهش ضربان قلب موثر است و حتی می‌تواند بر میزان پلک زدن هم تاثیرگذار باشد

- در مجاورت رنگ‌های قرمز، نارنجی، زرد و سرخابی خلاقیت دانش‌آموز تحریک می‌شود. دانش‌آموز این امکان را می‌یابد که در نقاشی و دیگر کارهای هنری استعداد خود را شکوفا سازد و درونیات خود را بیان نماید. رنگ سرخابی در این جا حضور مثبتی دارد این رنگ باعث می‌شود که دانش‌آموز ذهنیات خود را رها کرده و به سادگی به تصویر بکشد.

- رنگ قرمز مناسب ترین رنگ برای یادگیری مطالب جدید می‌باشد که با حافظه بلند مدت در ارتباط است

و مطالب جدید را در حافظه ثبت می‌نماید. اگر این رنگ در یک برش عمودی در لباس به کار رود، علاوه بر ثبت بهتر در حافظه، تمرکز را نیز به دانش‌آموز القا می‌نماید. قرمز در سطح وسیع آزاد دهنده است اما می‌تواند در یک برش به صورت کیفی استفاده شود

- آبی از دانش‌آموز فردی اجتماعی ساخته، وی را منضبط و قانونمند می‌نماید. در کنار رشد شخصیتی که در وی ایجاد می‌شود، احترام را نیز می‌آموزد.

- رنگ نارنجی دانش‌آموز را به پیوستن به گروه، همکاری با دیگران و کمک به همکلاسی‌ها ترغیب می‌نماید.

- رنگ سبز، دانش‌آموز را با همکلاسی‌هایش یکپارچه کرده و باعث می‌شود وی آنان را دوست داشته و به آن‌ها یاری رساند.

-(روانشناس: صدیقه ناقل)

- اگر معلم براساس تأکیدات قرآن کریم از رنگ‌های شاد مانند رنگ سفید و آبی در پوشش خود استفاده کند، دانش‌آموزان نیز در ایجاد و تدویم ارتباط با معلم، همکاری لازم را خواهند داشت. اگر معلمان در کنار رعایت پوشش اسلامی، از لباس آراسته و طرح‌دار با رنگ‌های شاد و نشاط آور استفاده کنند، ترس دانش‌آموزان از محیط مدرسه و معلم از بین می‌رود.

* این مواردی رو که در بالا گفته شد به صورت کلی برای استفاده از رنگ‌ها در امر آموزش بود

که همانطور که مشاهده شد در هیچ مورد استفاده از رنگ‌های تیره و خنثی را سفارش نکرده بودند*

- اما...

خصوصا معلم‌های جوان و دانشجو معلمان باید توجه

داشته باشند که:

استفاده بیش از حد از رنگ‌ها باعث دلزدگی دانش‌آموزان می‌شود، باید به هارمونی رنگ‌ها توجه کنید استفاده افراطی از زیورآلات اصلا مناسب یک معلم نمی‌باشد و بالعکس استفاده از ساعت بسیار به شیک بودن استایل شما کمک می‌کند.

- مورد دیگری که قصد گفتنش را داریم این است که: شما برای تعیین پوششتان باید به مخاطبان خود دقت کنید پوشش مربیان مهدکودک معلمان ابتدایی و دبیرهای دبیرستان مسلما باید فرق‌هایی باهم داشته باشد. دبیرها و اساتید باید پوشش رسمی تری داشته باشند.

اما این به آن معنی نیست که همواره از لباس‌های تیره استفاده کنید.

امیدوارم مطلب برای شما مفید باشه.

فاطمه گرچی - علوم اجتماعی ۹۷

آموزش صحیح ریاضی

هدف اصلی آموزش ریاضی در مدارس دوره ابتدایی، ریاضی کردن تفکر کودک است. واضح بودن فکر و پیروی از نتیجه گیری منطقی مرکزیت سرمایه گذاری ریاضی اول ابتدایی است، راه حل های زیادی برای تفکر وجود دارد و نوع تفکر در ریاضی را دانش آموزان در ریاضی ابتدایی یاد می گیرند. بنابراین ریاضیات در این دوره از اهمیت زیادی برخوردار است

انواع روش های نوین و جدید تدریس ریاضی :

۱- روش کلامی: در این روش معلم به اصطلاح متکلم وحده است؛ همه چیز را بیان می کند، قواعد را بررسی می کند، نتیجه گیری می کند و طراح مسئله است.

۲- روش تدریس زبانی ماشینی یا قاعده گویی: این گروه اعتقاد دارند که دانستن قواعد و فنون محاسبه برای دانش آموزان کافی است؛ اگر دانش آموز ادامه تحصیل دهد، آنگاه برایش استدلال خواهد داشت و مطالب را خواهد فهمید و در صورتی که ادامه ندهد، این محاسبات هستند که به دردش می خورد و چه کار دارد که چرا فلان مطلب چنین است؟ و چنان نیست؟

۳- روش تدریس زبان استدلالی: طرفداران این شیوه برخلاف گروه قبل تدریس را توأم با استدلال قبول دارند؛ آن ها معتقدند که یادگیری با منطق آمیخته است، پس باید با استدلال و برهان به امر تدریس همت گماشت. ابتدا باید تعریف و اصول گفته شود و به دنبال آن می توان نتیجه گیری ها را با استفاده از قوانین منطق آغاز نمود.

۴- روش اکتشافی: یادگیری اکتشافی فرآیندی است، که دانش آموز به طور مستقل و با راهنمای معلم یا بدون ان اصل یا قانونی را کشف نموده و مسئله ای را حل میکند

۵- روش مفهومی: در این روش بیشتر تاکید بر مفاهیم است و تکیه کمتری بر مهارت ها می شود، در این روش معتقدند که تکیه بیش از حد بر یکی (مفاهیم و استفاده از آن ها) مخاطب را از دیگری دور می سازد لذا باید به طور متعادل بین مفاهیم و استفاده از آن ها تاکید نمود

۶- روش فعال: در این روش هدف این است که دانش آموزان در فرایند آموزش پر جنب و جوش باشند.

نگاهی بر تدریس ریاضی در مدارس آلمان ژاپن

و آمریکا: شیوه های تدریس ریاضی در مدارس کشورهای مختلف از الگوهای خاصی پیروی می کند، با بررسی الگوی تدریس ریاضی در مدارس این سه کشور مشخص شد؛ که تدریس ریاضی در مدارس کشور آلمان با توسعه روش های پیشرفته همراه است. در مدارس ژاپن با تاکید بر حل مسئله و کار گروهی دانش آموزان کشف راه حل های متنوع مورد نظر است، و گفتمان ریاضی نقش محوری در این فرآیند دارد اما در مدارس آمریکا در یادگیری ریاضی فقط با تمرین و تکرار زیاد مدنظر می باشد و راه حل مسئله توسط معلم ارائه می دهد. مقایسه اهداف این الگوها تفاوت های پنهان در شباهت های ظاهری را نشان داد و مشخص شد، یک فعالیت مشترک در هر سه الگو به نتایج کاملاً متفاوتی منجر میشود. مشخصه های آموزشی در این ۳ کشور عبارت از است: مشخصه و صفت بارز آموزش در آلمان توسعه روش های پیشرفته است، در ژاپن معلمان فعالیت کمتری دارند و به دانش آموزان اجازه می دهند که روش های حل مسئله مسائل را خودشان کشف کنند. بنابراین صفت بارز آموزشی در ژاپن حل مسئله سازمان یافته است. در آمریکا محتوا به طور کلی مناسب نیست و سطح محتوای آموزش کمتر پیش رفته است و نسبت به دو کشور دیگر منطق و استدلال ریاضی کمتری دنبال میشود. معلمان مفاهیم را تعریف میکنند و

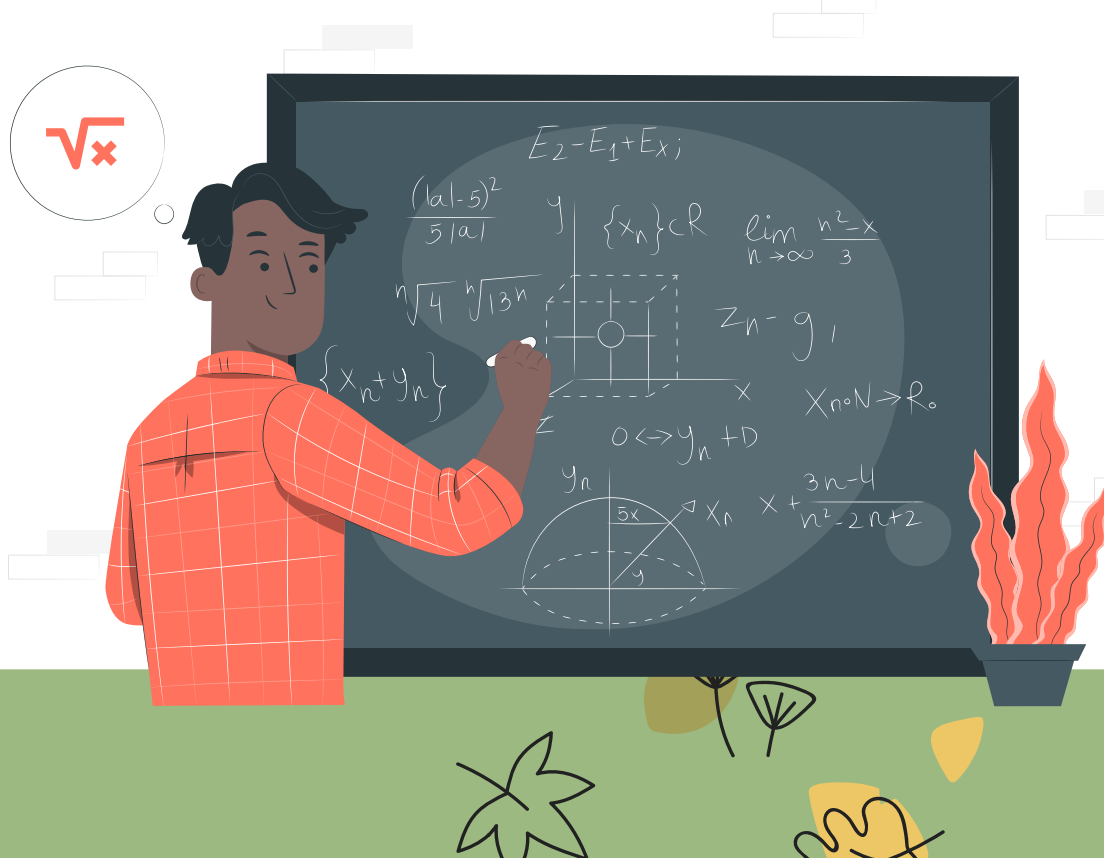


پیدا میکند، بحث پیرامون راه‌های مختلف حل مسئله آغاز میشود، معلم از بعضی از دانش‌آموزان می‌خواهد تا به ترتیب پایتخت سیاه بیایند و روش‌های خود را برای حل مسئله توضیح دهند پس از توضیح هریک از دانش‌آموزان معلم از آن‌ها می‌خواهد تا نظر خود را درباره راه حل‌های ارائه شده بیان کند و دانش‌آموزان به صورت آشکار در این اظهارنظر در اثبات یا نفی راه‌ها ارائه شده می‌پردازند پس از بیان راه حل‌های مختلف در ارتباط با مسئله مطرح شده معلم از دانش‌آموزان می‌خواهد تا راه حل‌های ارائه شده را با یکدیگر مقایسه و با محتوای کتاب درسی تطبیق دهند در این مرحله است که دانش‌آموزان کتاب‌های درسی خود را می‌گشایند و راه حل‌های خود را با آنچه که در کتاب بیان شده مقایسه می‌کنند آنگاه معلم خود به مقایسه کوتاه راه حل‌های ارائه شده می‌پردازد و آن‌ها را در ارتباط با محتوای کتاب درسی تبیین می‌کند آنگاه از دانش‌آموزان می‌خواهند که اگر سوالی دارند مطرح کنند در نهایت از آن‌ها می‌خواهد که کل جریان کلاس امروز را مرور بازبینی و ارزیابی کنند حاصل را در یک بند یا پاراگراف در دفترچه‌های خود بنویسند یادداشت‌های دانش‌آموزان در دقایق پایانی کلاس به‌عنوان جمع‌بندی مباحث کلاس تلقی می‌شود.

سپیده سلیمانی - آموزش ابتدایی - ورودی ۹۸

روش‌های حل مسائل خاص را نشان می‌دهند. سپس از دانش‌آموزان می‌خواهند که تعاریف و روش‌ها را تمرین کنند. صفت بارز آموزش در آمریکا یادگیری واژه‌ها و تمرین روش‌هاست. بنابراین آنچه گفته شد در بین انواع روش‌های تدریس روش اکتشافی برای تدریس ریاضی مناسب تر است ای روش به آن دسته از موقعیت‌های آموزشی اشاره دارد که در آن‌ها دانش‌آموز با راهنمایی محدود معلم یا بدون راهنمایی او به هدف مورد نظر نایل می‌آید ویژگی عمده روش اکتشافی عبارت از میزان راهنمایی معلم نسبت به دانش‌آموز الگوی اکتشافی دانش‌آموزان را در موقعیتی قرار می‌دهد که آن‌ها مسائل خود را از طریق اندیشه کاوش و پژوهش به کمک مشاهده و گردآوری داده‌ها مورد آزمون قرار داده و با تبادل اطلاعات در گروه‌های کاری به نتیجه دست می‌ابند. با چنین رویکردی آن‌ها علاوه بر یادگیری حقایق علمی روش و نگرش علمی را نیز کسب می‌کنند.

مراحل کلی روش تدریس به شکل اکتشافی به این شکل است: به این شکل که ابتدا با طرح یک مسئله از سوی معلم کلاس آغاز میشود مسئله‌ای که معلم برای ایجاد انگیزه تفکر در دانش‌آموزان آن را در طرح درس خود آورده. سپس دانش‌آموزان دقایقی برای یافتن پاسخ مسئله به تنهایی یا به کمک یکدیگر به تفکر می‌پردازند پس از این که بیشتر آنان حداقل یک راه حل مشخص برای مسئله



چگونه با دانش آموز بیش فعال رفتار کنیم؟

اختلال بیش فعالی

فرسنگ ها فاصله است بین اختلال بیش فعالی و برچسب بیش فعالی چه بسیار معلمانی که در جای جای ایران نادانسته برچسب بیش فعالی به دانش آموزان می زنند و چه بسیار معلمانی که با شناسایی به موقع اختلال بیش فعالی کمک شایانی به دانش آموزان می کنند. عصر کنونی اطلاعات و ارتباطات که راه را بر هر اشتباهی از جانب معلمان بسته است و معلمان را نیز در معرض اطلاعات بسیاری در مورد بیش فعالی قرار داده است که خالی از لطف نیست که معلمان آینده ساز ایران از آن آگاه شوند.

اختلال بیش فعالی همراه با نقص توجه یکی از شایع ترین اختلالات روان پزشکی در کودکان است که به اختصار ADHD نامیده می شوند و حدود هشت تا ده درصد کودکان به این اختلال دچار می شوند کنترل رفتار این دانش آموزان و جلب توجه آنها کاری سخت و طاقت فرساست البته اغلب کودکان در این دوره ی سنی فعالیت و جنب و جوش بالایی دارند و نمی توان به راحتی در این دوره ی سنی به آنها برچسب بیش فعالی زد این اختلال باید توسط متخصص و روانشناس تشخیص داده شود. مشاورین مدارس باید در صورت مشاهده ی علائم و رفتارهای مشابه با این نوع اختلال در دانش آموزان

فورا والدین آنها را مطلع کنند و برای داشتن رفتاری مناسب با این دانش آموزان در این موارد اطلاعات لازم را کسب کنند تا بتوانند تاثیرات مثبتی روی رفتار و عملکرد این افراد داشته باشند. اکثر دانش آموزانی که بیش فعال نامیده می شوند دارای علائم زیر هستند:

ویژگی بارز یک دانش آموز بیش فعال بی توجهی اوست آنها در مقابل گفته های معلمین و مشاورین و هر شخصی که سعی در آموزش او دارد هیچ واکنشی مبنی بر اینکه در حال گوش دادن باشند از خود بروز نمی دهند.

دانش آموزان بیش فعال حواس پرت هستند و نمی توانند به انجام یک فعالیت خاص به صورت طولانی مدت متمرکز شوند. اکثر کودکان حوصله ی انجام کارهای طولانی را ندارند و زود حوصله شان سر می رود اما کودکان بیش فعال بیشتر از کودکان عادی این مشکل را دارند. تکالیف و وظایف درسی خود را به طور منظم انجام نمی دهند و معلمان و خانواده ی آنها همیشه از این جهت شاکی هستند. یکی از نشانه های خطرناک اینگونه افراد انجام حرکات و رفتارهای تند و سریع و به قول معروف شلوغی بیش از حد آنهاست که موجب نگرانی والدین و معلمین



است و خطرهای زیادی برای دانش آموزان به دنبال دارد.

اکثر این افراد هنگام سخن گفتن دیگران سخنان آن‌ها را قطع می‌کنند و رفتارهای ناخود آگاه از خود نشان می‌دهند.

هنگام نشستن روی صندلی مدام در حال جنب و جوش هستند و نمی‌توانند ساکن و آرام بنشینند. قبل از فکر کردن عمل می‌کنند و پیش از پایان یافتن سوال جواب می‌دهند از این نظر معلمین خود را دچار مشکل می‌کنند و نظم کلاس را برهم می‌زنند.

معلمان عزیز دقت کنند آن‌ها متخصص کودکان یا روانشناس نیستند و وظیفه‌ی آن‌ها درمان کودکان بیش فعال نیست بلکه وظیفه‌ی آن‌ها در قبال کودکان بیش فعال کنترل رفتار آن‌هاست به همین خاطر بهتر است که اطلاعاتی را برای نحوه رفتار با دانش آموزان بیش فعال کسب کنند.

یک معلم عزیز بهتر است در ابتدا در برخورد با دانش آموزان بیش فعال احساسات خود را کنترل کنند؛ با آرامش با آن‌ها به گفتگو بپردازند تا بتوانند تاثیر مطلوبی روی آن‌ها بگذارند بهتر است در مقابل رفتار آن‌ها عصبانی نشوند و اجازه بدهند آن‌ها در کنارشان احساس آرامش بکنند یکی از بزرگترین علل این اختلال زود عصبانی شدن فرد است معلمان باید این نکته را در نظر داشته باشند و در مقابل آن‌ها رفتاری آرام و خونسرد داشته باشند

دو معلم باید کنترل حرکات و رفتارها را به دانش آموزان بیش فعال آموزش بدهند زیرا آن‌ها بسیار پر

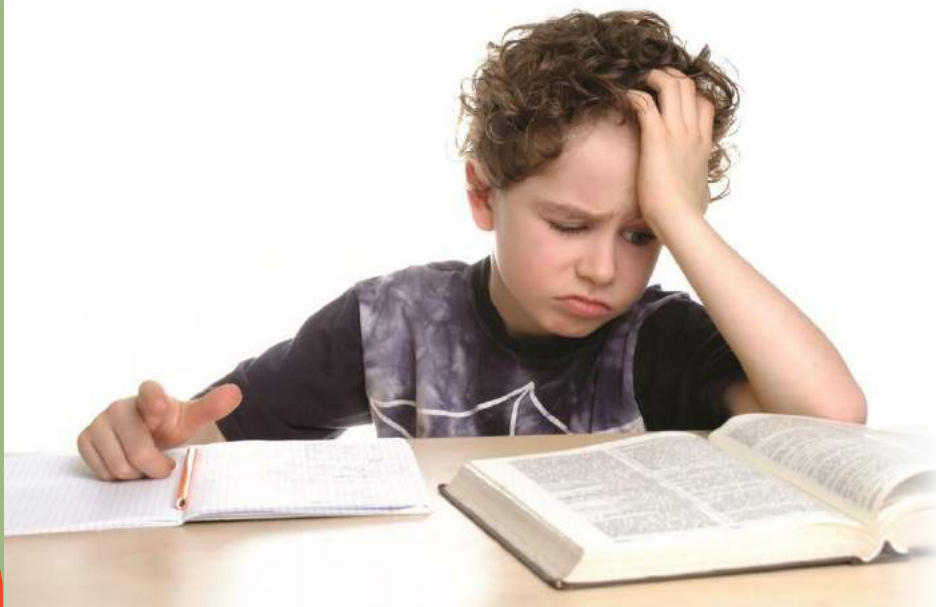
جنب و جوش هستند برای اینکه دانش آموزان بیش فعال بر رفتارهای نا خود آگاه خود کنترل داشته باشند باید به آن‌ها تمرکز کردن را آموزش بدهند برای مثال در هنگام گوش دادن به درس به یک شیء یا توپ ضربه بزنند کاغذها را تا بکنند؛ به دانش آموزان بیش فعال اجازه دهند که در کارهای گروهی فعالیت داشته باشند و خلاقیت‌های خود را بروز دهند و کم کم یاد بگیرند که رفتارهای خود را به نحوی کنترل کنند تا تاثیر نا مطلوبی را بر روی آموزش و یادگیری آن‌ها نگذارد.

سه) معلمان سعی کنند در محیط‌های آرام با آن‌ها به گفتگو بپردازند زیرا دانش آموزان بیش فعال نسبت به شلوغی و سرو صدا تحریک پذیر هستند و زود عصبانی میشوند و حواس شان پرت می‌شود و همه چیز را فراموش می‌کنند با او در محیطی آرام صحبت بکنند تا حرف‌های خود را به راحتی و با آرامش بیان کنند سعی کنند با خانواده و مربیان این کودک نیز صحبت کنند تا هم در منزل و هم در محیط درس، محیط آرامی برای کودک فراهم شود تا تمرکز و یادگیری آن‌ها بیشتر شود.

چهار) سعی کنند در هنگام گفتگو با دانش آموز بیش فعال با او تماس چشمی داشته باشند تا او تمرکز بیشتری روی گفته‌ی آن‌ها داشته باشد.

پنج) در حضور دیگران از دانش آموزان بیش فعال انتقاد نکنند زیرا آنان بسیار حساس هستند.

نویسندگان: فائزه طریقی تابش- کبری پاشائی بخشایش



lms آوردیم براتون!

قدر این دو موهبت را ندانستیم و به چنان عقوبتی گرفتار شدیم که جملگی دهان‌هایمان بسته شد. البته مشکلاتی هم داشتیم و خیلی هم بی‌عیب و نقص نبود. مثلاً اوایل که هنوز برنامه‌ها منظم نبود و ما داشتیم آرامش قبل از طوفان را تجربه می‌کردیم، بعضاً پیش می‌آمد که اساتید مهربان فکر می‌کردند ما کلاً چند واحد بیشتر بر نداشته‌ایم که آن هم واحد آنهاست و دائم نماینده را می‌فرستادند پی بچه‌ها که برو همه را سرکلاس بیاور. بعد هم از ما اصرار بود و از استاد انکار که استاد جان! مگر شما الان با ما کلاس دارید؟ آخر سر هم که استاد زیر بار می‌رفت و می‌دید برنامه را اشتباه خوانده و با گروه دیگری کلاس دارد، یک دفعه گویی ناپدید می‌شد و بعدش را دیگر خدا عالم است! برعکس گروه اول اساتید، بعضی اساتید دیگر هم بودند که از اول اصلاً پیدایشان نبود و آخر ترم خودی نشان می‌دادند و مشخص می‌کردند از کجا تا کجا امتحان می‌گیرند و بعد هم دوباره عرصه را ترک می‌کردند و ما می‌ماندیم و یک عالمه سوال بی‌جواب این واقعیت تلخ که: «این یکی را هم می‌گذارم برای افتادن!»

خوب یادم است اولین باری که یکی از اساتید به عنوان تکلیف پایانی از ما خواست بخشی از کتاب را تدریس کنیم و از تدریس مان فیلم بگیریم و برایش ارسال کنیم، آه از نهاد همه‌مان بلند شده بود! خدا می‌داند سر همین فیلم گرفتن‌ها و صدا ضبط کردن‌ها چه کشیدیم و چه بر سرمان می‌آمد تا دو سه دقیقه ویس می‌گرفتیم. به هر ضرب و زوری بود ترم را گذرانده‌ایم و امتحاناتش را هم تمام کردیم و تابستان زیبا از راه رسید و بالاخره خلاص شدیم. اما طولی نکشید که ترم جدید شروع شد و ما که امیدوار بودیم آموزش مجازی برود و دیگر برنگردد، دیدیم که نخیر! کرونا تازه دارد برای خودش حال می‌کند و حالا حالاها خانه‌نشینی ادامه دارد. اما این ترم اوضاع فرق داشت. سرو صدایی به پا شده بود و دانشگاه مدام اطلاع‌رسانی می‌کرد که: lms آوردیم براتون!

سامانه lms گرچه ما را از آشفتگی گروه‌های تلگرامی و واتساپی تا حدی نجات داد، اما باعث نشد گروه‌ها در سایر پیام‌رسان‌ها به کلی تعطیل شوند و آموزش‌ها منحصر از طریق lms ارائه شوند. مهم‌ترین دلیل آن سرعت صفر اینترنت بود. چطور می‌شود با این سرعت پایین که با هزار ضرب و زور و بدبختی ترم قبل می‌توانستیم فیلم‌ها و ویس‌های اساتید را دانلود

می‌گویند آدم‌ها وقتی به طور ناگهانی تحت شرایط خیلی سخت و بحرانی قرار بگیرند، مثلاً وقتی یک دفعه عزیزی را از دست بدهند، دچار حالتی می‌شوند که اصطلاحاً گفته می‌شود طرف شوکه شده! و این جور افراد می‌شوند مصداق بارز همان اصطلاح معروف که می‌گوید: فلانی اصلاً نفهمید از کجا خورد! بیچاره‌ها! خیلی دردناک است واقعاً! الهی که نصیب هیچ‌کس نشود! دعا می‌کنم هیچ‌وقت در زمره چنین افرادی که تعدادشان در بلاد ما کم هم نیست، نباشید! اما چه کنم؟ چه کنم که دعای من حتی در حق خودم هم مستجاب نمی‌شود. پس دلخوش نباشید و از کس دیگری بخواهید برایتان دعای خیر کند که من اگر طیب بودم، اول از همه درد خودم را دوا می‌نمودم!

روزهای اول هنوز نمی‌دانستیم چه بر سرمان آمده. ضربه چنان مهلک و کاری بود که مثل برق گرفته‌ها هاج و واج مانده بودیم و انگار اصلاً نمی‌توانستیم بفهمیم چه اتفاقی افتاده. اما حالا که فکرش را می‌کنیم می‌بینیم ای دل غافل! از قضا درست در زمره همان آدم‌های شوکه شده بوده‌ایم که نمی‌دانستند از کجا خورده‌اند!

یک روز دانشگاه رفتیم و روز بعد درش را بستند و گفتند بروید و در خانه بمانید تا فکری به حال‌تان بکنیم و بعد از آن هم چنان فکری به حال‌مان کردند که همه به غلط کردم افتادیم! تعطیلات کرونایی ما از یک هفته و ده روز شروع شد و حالا تقریباً دارد یک سال می‌شود که در خانه مانده‌ایم و آموزش‌های مجازی را دنبال می‌کنیم. آه خدایا! آموزش مجازی نگو، بلا بگو! هرچه بگویم الا یک از هزاران نیست! یک گوشی داشتیم که آن را هم وقف آموزش مجازی کردیم و از بس فیلترشکن را وصل کردیم و قطع کردیم و از تلگرام به واتساپ و از واتساپ به ادوبی و از ادوبی به شمیم و از شمیم به شاد و از شاد به lms و از lms به، دیگر به کجا می‌خواستید برویم؟ دنیا را دور زدیم و دوباره سر جای اول برگشتیم و روز از نو، روزی از نو! ترم قبل که هنوز خوشبخت بودیم و افتخار آشنایی با lms را نداشتیم، اما متأسفانه این خوشبختی دیری نپایید و ورق برگشت و ما همه بدبخت شدیم، کلاس‌ها در فضای واتساپ و تلگرام برگزار می‌شد، اما بدبختانه و از آنجا که انسان کلاً کانَ قَلْوماً جهولا،

کنیم، حالا بتوانیم وارد lms شویم و در کلاس‌هایی که در فضای ادوبی کانکت تشکیل می‌شد شرکت کنیم و هیچ مشکلی هم نداشته باشیم؟

یک نکته مهم وجود دارد و آن هم این است که گاهی اساتید عذرهای ما را مبنی بر اینکه به دلیل سرعت پایین اینترنت نتوانسته‌ایم وارد کلاس شویم، بهانه‌های صد من یک غاز تلقی می‌کنند و باقی ماجرا! اصلاً قاعده ماجرا این است که اگر اساتید بتوانند وارد سامانه شوند پس یعنی همه چیز خوب است و هر کس نتوانست وارد شود دارد بهانه‌تراشی می‌کند. اما اگر استاد نتواند وارد سامانه شود سامانه مشکل دارد و اصلاً باید خاک بر سرش کنند که به استاد اجازه ورود نمی‌دهد و در این بین اگر دانشجویی بتواند وارد شود، باید آنقدر منتظر بماند تا بالاخره به شکلی مطلع شود کلاس در سامانه برگزار نمی‌شود و به همان تلگرام رجعت

کند و تازه ببیند غیبت هم خورده چون دیر رسیده و هر چقدر هم آه و ناله کند که روحش خبر نداشته و تا همین چند دقیقه پیش در سامانه منتظر بوده، حرفش خریدار ندارد.

از مشکلات اینترنت بگیرد تا قطع و وصل شدن‌های مکرر صدا و تصویر در کلاس‌های سامانه و خلاصه دست روی دلم نگذاری!

یکی از ابتکارات بی‌نظیر lms این است که ظاهراً از ریخت و قیافه هر دانشجویی خوشش نیاید، یک دفعه و بدون اطلاع قبلی از کلاس پرتش می‌کند بیرون و در را هم پشت سرش سه قفله می‌کند! خدا نکند lms کسی را از کلاس بیرون کند که وارد شدن دوباره‌اش با خداست! و اگر حوصله‌اش خیلی سر رفته باشد، استاد و دانشجو را با هم از کلاس بیرون می‌کند و چند ساعتی استراحت می‌کند و دیگر کلاً بالا نمی‌آید!

از طرفی دانشگاه همه را ملزم کرده کلاس‌ها را حتماً در همین فضا برگزار کنند که این دیگر داد بعضی از اساتید را هم درآورده و ما نمی‌دانیم تکلیف کلاس‌هایی که به خاطر مشکلات سامانه در تلگرام برگزار کردیم چه می‌شود.

مشکل بعدی جلسات آفلاین است و هنوز که هنوز

است و ترم دارد تمام می‌شود، هیچ کس نفهمیده در این جلسات دقیقاً چه کار باید بکنیم. یک عده از اساتید این جلسات را به خودمان بخشیده‌اند و فقط گاهی مطلبی می‌فرستند که در سامانه و یا داخل گروه تلگرامی بارگزاری می‌کنند. گاهی اوقات هم ما وارد سامانه می‌شویم و محض خالی نبودن عریضه، عرض ادبی می‌کنیم، البته در تالار اعلانات، و دوباره می‌رویم پی کار خودمان و این می‌شود مثلاً حضوری ما.

آخرش هم اصلاً نفهمیدیم این سامانه چطور کار می‌کند!

درد دیگر هم واحد کارورزی‌ست. چهار ترم صبر کردیم و روزها را به امید فرارسیدن این واحد پشت سر گذاشتیم و چقدر ذوق داشتیم و می‌خواستیم مدرسه برویم، اما چه شد؟ کارورزی مجازی آن هم در سامانه شاد که ملتی را ناشاد کرده، سهم ما از این روزگار کرونایی‌ست. تکالیف زیاد و خستگی بیش از حد و چشم‌درد و کمردرد و گردن‌درد و خلاصه تمام انواع دردها را هم که به این‌ها اضافه کنید، متوجه می‌شوید کرونا چه آشی برایمان پخته و هنوز هم دارد می‌پزد!

البته از حق هم نباید گذشت. این‌ها را گفتیم اما باید یک چیز دیگر هم بگویم. جا دارد در همین لحظه بلند شوم و به افتخار خودمان کف محکمی بزنم و از اساتید مهربان هم کمال تشکر را داشته باشم که با وجود شرایط سختی که پیش آمده، همچنان ایستاده‌اند و عرصه را ترک نکرده‌اند. خدا عمرتان بدهد!

امیدواریم سایه این بیماری هرچه زودتر از سر دنیا کم شود و درهای مدرسه و دانشگاه باز، تا بتوانیم باقی‌مانده‌ی روزهای دانشجویی را بهتر بگذرانیم و فرصت‌های خوب دوران کارورزی را از دست ندهیم. به امید فرا رسیدن روزهای خوب و با آرزوی سلامتی برای همه اساتید، دانشجویان و همکاران، دفترم را به پایان می‌برم، گرچه می‌دانم حکایت همچنان باقی‌ست!

زینب جمشیدی - آموزش ابتدایی ۹۷

کوشی هر چه تمامتر از جامعه دور کرد و حالا موقعی آن شده است که همه انگیزه‌ها و موانعی که به هر دلیل در زمینه کتاب و کتابخوانی ایجاد شده است کنار رانده و با یاری، کمک، مردانگی و اراده قاطع تصمیم شکست‌ناپذیری گرفته و نسبت به احیای کتاب و کتابخوانی اقدام کنیم.

اهمیت کتاب هنگامی که روح به معنی اینکه در پیکره هنر دمیده گردد و معنویت به شکل هنری ارائه می‌شود درجه تاثیرگذاری و ماندگاری آن به شدت روبه فزونی می‌رود و پرداختن به اصولی از مسایل فرهنگی کشور از جمله مسئله کتابخوانی و راه حل‌های جهت رفع معضلات، تنگناها و مشکلات آن، اگرچه اموری است که نیازمند همت همگانی می‌باشد ولی بخش‌های دولتی مسئول آن هستند و می‌بایست در راه آن سرمایه‌گذاری نموده و با بصیرت و قدرت نظارت لازم بر مسایل فرهنگی داشته باشند و آن را سر و سامان دهند و دستگاه‌های دولتی اداره‌کننده‌ی کشور می‌بایست با پیشتازی کسانی را که دارای تفکر و اهل قلم هستند ترغیب نمایند تا به مطالعه و تحقیق دست زده و حاصل و نتیجه تلاش‌هایشان را در معرض استفاده کنند و همگان بگذارند و از این طریق می‌توان فرهنگ جامعه را به پویایی و بالندگی رساند.

تجزیه و تحلیل از کمیت کتاب نقش آن را کم‌رنگ می‌کند که باید مستقیماً نویسنده را وارد عمل نمود، نویسنده‌ای که با خواندن کتاب آغاز می‌نماید و از اول نویسندگی دانشی را نداشته و با مطالعه‌ی بیشتر به نویسندگی دست یافته است و او فردی کاملاً خاصی می‌باشد.

در موقع تبلیغ و تمجید کتاب و کتابخوانی می‌بایست مسئولیت عرضه‌کننده و پدیدآوردگان کتاب که دارای اهمیت و مسئولیت سنگینی بوده‌اند اشاره نمود. واقعاً کسانی که برای غذای روان و اندیشه نسبت به تهیه و توزیع کتاب می‌پردازند باید بدانند که درباره خدمت به اینگونه کارها فایده داشته و همچنین دارای پاداش بزرگی است.

پيامی که در نمایشگاه کتاب درباره اهمیت و لزوم کتابخوانی می‌باشد ضرورت دارد و باید اهمیت آن را در نظر گرفتن جهت بالابردن شکوفایی بیشتر استعدادهاى توانمند که برای درک و فهم عمیق حقایق همگانی با تحولات علمی و فنى، غنا ساختن آن و سازماندهی بر تلاش‌های فرهنگی و ایجاد نظام

پرورش و تربیت خواندن از روزهای اول زندگی و کودکی و در محیط خانه و خانواده شروع می‌گردد و تا آخرین مراحل و عالیترین تحصیلات دانشگاهی ادامه پیدا می‌کند، پدران و مادران باید عادت کتابخوانی را در فرزندان خود بوجود بیاورند و همچنین مربیان تربیتی که نقش مهمی در تربیت دارند به خردسالان و کودکان آموزشی که لازم و کافی می‌باشد بدهند تا آنها را به کتاب خواندن راغب کند و اگر این آموزش توسط رسانه‌های همگانی باشد تاثیر بیشتری دربر خواهد داشت. و اما عادت نمودن به کتابخوانی لازم و کافی نبوده و می‌بایست نسبت به تحکیم و تداوم آن عادت نمود که هدف و مقصود مطالعه را تحقق ببخشد و برای تداوم عادت خواندن می‌بایست نظام‌های دیگر هم به یاری و همکاری نظام آموزش بیایند خصوصاً رسانه‌های همگانی و امکانات و ابرازهای ارتباطی فراگیر نقش پیگیر و هماهنگ کننده را در رشد کتابخوانی در جامعه بر عهده بگیرند.

اسلام که دینی عالم‌گیر می‌باشد به کتاب و کتابت عجزین شده است، و معجزه‌ی آن کتاب (قرآن کریم) بوده به اندازه لازم در تشویق و ترغیب به امر کتابخوانی و گسترش و توسعه کتابخانه سفارش نموده است.

دنیای بزرگ و شگفت‌انگیز کتاب/کتابخوانی به گروه خاصی و ویژه‌ای تعلق نداشته و هر فرد باید با کتاب زندگی کند و مطالعه و کتابخوانی باید بعنوان یک نیاز و احساس دایمی لازم و روزانه در میان عموم رایج و مطرح باشد تا افراد جامعه به خواندن و مطالعه ترغیب و فرهنگ کتاب/کتابخوانی رواج یابد.

نقش و اهمیت کتاب و کتابخوانی:

درباره اهمیت کتاب و کتابخوانی این است که با نهادینه کردن عادت به مطالعه در همه تفکرات و اندیشه‌ها و دل‌ها اقدام تا با همگانی کردن شور، شوق و عشق به کتاب/کتابخوانی که آن در جامعه استمرار داشته باشد. اما جای تاسف دارد که عادت به مطالعه جایگاهی در رشد همه جانبه در همه سطوح اجتماع ما پیدا نکرده است. و هنوز که است عده‌ای از خواندن سرباز می‌زنند که می‌بایست در پیشگیری از توسعه و گسترش بیشتر این آفت بمنظور رشد و اعتلای فرهنگ عمومی کوشش و تلاش زیادی نمود. و این معضله بزرگ را با جدیت و سخت

اطلاع‌رسانی منسجم و توانمند ضرورت دارد و بر بهره‌وری آن در نمایشگاه‌های کتاب به بازدهی و افزایش آنها کمک می‌کنند.

هرگاه ضرورت کتابخوانی و اهمیت آن برای همگان تفسیر و تعبیر گردد در آن صورت در هیچ جای نباید فردی یافت شود که با مطالعه بیگانه باشد و در هیچ مکان و زمانی نباید وجود داشته باشد مگر نقش محدودی که کتاب در آن نادیده انگاشته شود.

راه‌ها و شیوه‌های کتاب و کتاب خوانی

برای ایجاد جذب و جلب افراد به مطالعه راه‌های وجود دارد تا آنها را به کتاب و کتابخوانی ترغیب و تشویق نمائید.

روش‌هایی که در راغب کردن مردم به مطالعه را سبب می‌گردد بیان می‌نمایم؛ و آن روش‌ها عبارتند از:

برگزاری مسابقات کتابخوانی و خلاصه‌نویسی کتاب‌ها می‌توانند گرایش افراد را به مطالعه منجر کند و این گونه مسابقات باید از روی اصول و سنجیده برگزار شود که این زمینه‌ساز عده‌ای زیادی از افراد به

مطالعه خواهد شد.

با گزیده‌نویسی و خلاصه‌سازی تعدادی از کتب حجیم و قطور مردم را به مطالعه ترغیب کرد که اغلب به خاطر گرفتاری و نداشتن فرصت کافی از مطالعه باز می‌ماند، وقتی که آثار خوب، مفید و ارزنده خلاصه گردد می‌تواند، رغبت بعضی از افراد به مطالعه را افزایش داده و در آن امر کتاب و کتابخوانی موثر باشد.

فراهم کردن امکانات و فرصت‌های مطالعاتی برای کودکان و نوجوانان که نیاز به کمک دارند علاوه بر کوشش و تلاش خود آنان نیاز به تلاش‌ها و برنامه‌ریزی و مشارکت حساب شده مربیان دارند جهت تشویق و ترغیب آنها به مطالعه باید نسبت به تهیه و خرید کتاب آنها را همراهی کرد و جهت بازدید به نمایشگاه‌ها و فروشگاه‌های کتاب و یا هدیه‌ی کتاب، آنها را راغب نمود و به کودکان قبل از دبستان باید اهمیت داد که می‌تواند با گرفتن هدیه‌ی برجسته‌ای از اولیا و مربیان، علاقه کودکان را به کتاب و کتابخوانی تعیین و تثبیت کرد و آنها را به این راه کشاند.



معرفی چند کتاب جهت مطالعه

۱. کتاب درمان وجودی

نویسنده: سوزان ایاکوو

مترجم: شهرناز ایزدی

معرفی درمان وجودی به عنوان درمانی که قابلیت اجرا دارد. ایجاد بینشی در درمانگران و متخصصان با سایر پیشنهادهاى نظری تا دریابد چگونه فرضیات بنیادی درمان وجودی می تواند به کار درمان آنها ارتقا ببخشد و ارائه نقطه آغازی به هرکسی که می خواهد درباره شیوه بودن خود در این جهان به کاوش بپردازد و بداند برای این کار از کجا باید آغاز کند این کتاب صرفاً برای درمانگران و روانشناسان به نگارش درآمده است بلکه از آنجا که همه انسان ها با امور مسلم زندگی همچون مرگ، تنهایی، اضطراب، وجودی آزادی و پذیرش مسئولیت و ... دست به گریبان هستند. این کتاب می تواند دانشی به زبان ساده اما محکم بر پایه های محکم علمی در اختیار علاقمندان فلسفه وجودی قرار گیرد.

۲- قدرت و شکوه زن

نویسنده: علیرضا پناهیان

این کتاب شامل نانوشته هایی از بیانات حضرت امام خمینی (رحمة الله علیه) و حضرت امام خامنه ای در مورد ویژگی ها و برتری های زنان با مقدمه ای از استاد پناهیان می باشد این کتاب در هفت فصل ارائه شده است.

- مادر پایه بهشتی شدن انسان ها

- زن مبدا همه خیرات

- سعادت و شقاوت کشور را به دست زنان

- کمبود محبت مادری منشأ فساد عالم

- شغل اصلی زن

- قدرت زن در مدیریت همسران

- اجر زنان بیش از مردان

تهیه و تدوین: زهرا فضلی



ای جان جان جان من (چرا مولانا ماندگار شد؟)

مولانا با مثنوی معنوی و غزلیات شمس ماندگار شده و البته آثار دیگری هم از او بر جای مانده است. اما چه چیزی مولانا جلال‌الدین محمد رومی‌بلخی را جاودان کرد و چرا در هشتم مهرماه از او یاد می‌کنیم؟

مولانا در سن ۳۷ سالگی عارف و دانشمند بزرگ عصر خود بود. شاید اگر در یکی از روزهای جمادی‌الثانی سال ۶۴۲ قمری دیدار با شمس رخ نمی‌داد، مولانا عالم و بزرگ عصر خویش می‌ماند و با گذر ۸۰۰ سال از زمان حیات وی، دیگر نام و اثری از او به میان نمی‌آمد. اما چگونه شد که مولانا، مولانا گشت؟ روزی مولوی از راه بازار به خانه بازمی‌گشت که عابری ناشناس گستاخانه از او پرسید: «مصرف عالم معنی، محمد برتر بود یا بایزید بسطامی؟» مولانا با لحنی آکنده از خشم جواب داد: «محمد (ص) سر حلقه انبیاست، بایزید بسطام را با او چه نسبت؟» درویش تاجر نما بانگ برداشت: «پس چرا آن یک سبحانک ما عرفناک گفت و این یک سبحانی ما اعظم شأنی به زبان راند؟» مولانا فرو ماند و گفت: درویش! تو خود بگوی. گفت: اختلاف در ظرفیت است که محمد را گنجایش بیکران بود، هر چه از شراب معرفت در جام او می‌ریختند همچنان خمار بود و جامی دیگر طلب می‌کرد. اما

بایزید به جامی مست شد و نعره برآورد: شگفتا که مرا چه مقام و منزلتی است! سبحانی ما اعظم شانی! پس از این گفتار، بیگانگی آنان به آشنایی تبدیل شد. گویی که هزاران سال در جهانی دیگر با هم می‌زیسته‌اند و کنون در زمین یکدیگر را باز یافته بودند. نگاه شمس تبریزی به مولانا گفته بود از راه دور به جستجویت آمده‌ام اما با این بارگران علم و پندارت چگونه به ملاقات الله می‌توانی رسید؟ و نگاه مولانا به او پاسخ داده بود: «مرا ترک مکن درویش و این بار مزاحم را از شانه‌هایم بردار.» شمس تبریزی در حدود سال ۶۴۲ قمری به مولانا پیوست و چنان او را شیدا کرد که همه‌ی ما قدرت و قریحه‌ی مولانا در شعر سرودن و زیبایی هرچه تمام‌تر آن‌را می‌شناسیم. و کمتر کسی پیدا می‌شود که اهل ادبیات باشد اما با غزل «پوشیده چون جان می‌روی اندر میان جان من» جانش زیبا نگردد اما بی‌انصافی‌ست اگر مولانا را از حیث هستی‌شناختی و یا پیامبرشناسی وی، در نیابیم.



برای هزاران معمای سرگردان در وادی ذهن گشته و نگاهی کاوشگرانه به تمام ابعاد جهان داشته است. هستی‌شناسی مولانا در بستر اندیشه‌های اسلامی رشد یافته و با یاری گرفتن از عمق آیاتی مانند آیه ۴۴ سوره مبارکه اسرا «... و ان من شيء الا يسبح بحمده» (موجودی نیست در عالم، جز آنکه ذکرش تسبیح و ستایش حضرت اوست)، دریافته است که تمام کائنات همواره به تسبیح حضرت حق مشغولند هرچند هیچ‌گاه نمی‌توانند از عهده‌ی ستایش و پرستش برآیند.

اندر دل من درون و بیرون همه اوست

اندر تن من جان و رگ و خون همه اوست

اینجای چگونه کفو ایمان گنجد

بی‌چون باشد و جود من چون همه اوست

و اما اگر از منظر پیامبر‌شناسی بخواهیم به مولانا بپردازیم

مولانا معتقد است که خداوند برای تجلی مهربانی و ظهور رحمتش در این کره خاکی پیامبران را فرستاده است. زان بیاورد انبیارا در زمین / تاکنندشان رحمه للعالمین

وی در همهی آثارش از منظر یک عارف، از پیامبر به‌عنوان یک اسوه‌ی محبت یاد کرده و نشان داده که انسان‌دوستی ایشان اظهر من الشمس است. بسیاری تلاش کرده‌اند تا نشان دهند پیامبر اکرم (ص) دین مبین اسلام را با ضرب شمشیر تحمیل کرده‌اند اما بنا به نظر مولانا پیامبر نه برای جنگ و ایجاد نزاع بلکه برای زدودن سیاهی، ظلمت، جهل و فریب کاری و دعوت به خیر و صفا آمده‌اند.

قلب و نیکو در جهان بودی روان

چون همه شب بود و ما چون شب روان

تا برآمد آفتاب انبیا

گفت ای غش دور شو صافی بیا

و در توصیف پیامبر (ص) می‌فرماید:

زان سبب فرمود یزدان والضحی

والضحی نور ضمیر مصطفی

از دیدگاه مولانا پیامبر (ص) نماد و عامل وحدت است، چون زبان مردمان را می‌فهمد و با بصیرت و چشم باطن روان انسان‌ها را می‌بیند و می‌تواند آنان را متحد نماید.

مشفقان گردند همچون والده

مسلمون راگفت نفس واحده

نفس واحد از رسول حق شدند

ورنه هر یک دشمن مطلق بدند

مطلب من باب شناخت و درک و دریافت مولانا بسیار است و نمی‌توان در قالب کلماتی محدود صحبت از بزرگی وی به میان آورد. مولانا در کنار تمام کوشش و سعیش برای شناساندن عظمت پروردگار و پرده‌انداختن از معماهای هستی و کشف رازش، به نقل از دکتر عبدالکریم سروش «درس سکوت، درس خاموشی، درس هنر شنیدن را به ما داد. مثنوی با چه کلمه‌ای شروع می‌شود؟ می‌خواهم یک مقایسه‌ای بکنم و بعد ادامه بدهم با کلمه بشنو شروع می‌شود. قرآن با چه کلمه‌ای شروع می‌شود، با کلمه اقرأ؛ بخوان، بگو. مولانا شأنش این نبود که بگوید بگو! به آن درجه نرسیده بود، خاموشی را تلقین می‌کرد، حرف نزن بشنو، گوش‌دار تا برای تو بگویم...»

دم مزن تا بشنوی از دم زنان

آنچه نامد در زبان و در بیان

دم مزن تا دم زند بهرتو روح

آشنا بگذار در کشتی نوح.

پردیس جعفری آموزش ابتدایی ۹۷

نشانی؟...

خانه ی دوست کجاست ؟

در فلق بود که پرسید سوار

آسمان مکثی کرد

رهگذر شاخه نوری که به لب داشت به تاریکی شن

ها بخشید

و به انگشت نشان داد سپیداری و گفت:

نرسیده به درخت

کوچه باغی است که از خواب خدا سبزتر است

و در آن عشق به اندازه ی پره‌ای صداقت آبی است

می روی تا ته آن کوچه که از پشت بلوغ سر به در

می‌آرد

پس به سمت گل تنهایی می پیچی،

دو قدم مانده به گل

پای فواره جاوید اساطیر زمین می مانی

و تو را ترسی شفاف فرا می گیرد

در صمیمیت سیال فضا، خش خشی می شنوی

کودکی می بینی رفته از کاج بلندی بالا

جوجه بردارد از لانه نور

و از او می پرسی

خانه ی دوست کجاست.

شعر با یک سال آغاز می‌شود:

«خانه دوست کجاست؟» سوال همیشه تاریخ انسان

که در فطرت او ریشه دارد؛ و حقیقت جویی که از صبح

ازل در ذهن انسان پدید آمده است، از ابتدای فلق»

در فلق بود که پرسید سوار» و این سوال اولین مرحله

سیر و سلوک عرفانی یعنی «طلب» است. «هست

وادی طلب آغاز کار».

سوار سالک است و کسی است که پا در رکاب طلب

نهاده و جستجو را آغازیده است. سوال آنچنان عظیم

و خطیر است که به شگفتی وا می‌دارد هر چیز، حتی

آسمان را، آسمانی که بار امانت خداوندی را نیارسته

است و اینک در مقابل سوال این دیوانه که قرعه‌ی

فال به نامش خورده است شگفت زده می‌شود:»

آسمان مکثی کرد». از نظر تصویر ظاهری شعر، مکث

آسمان، سیاهی پس از صبح کاذب است که فلق را از

بین می‌برد و پس آنکه صبح صادق می‌دمد. سوال

از کیست؟ از رهگذری آگاه، از یک سالک، یک پیر، یک

مرشد، پیری آگاه که سخنانش شاخه‌های نورند،

پیری که آگاهی و شناخت و معرفت دارد و این معرفت

و شناخت را به تاریکی راه می‌بخشد و راه را روشن

می‌کند. در اینجا نکته ای دیگر در عرفان ظاهر می‌شود

و آن «بی پیر به خرابات نرفتن» است. پیر راه را روشن

می‌کند:

«و به انگشت نشان داد سپیداری و گفت:»،

مشخصه‌ی این راه، آن سپیداری است که از دور

پیداست. پس سپیدار تابلوی اصلی راه است. سپیدار

کیست یا چیست؟

«آب را گل نکنیم / شاید این آب روان / می‌رود پای

سپیداری / تا فرو شوید اندوه دلی»، سپیدار انسان

است، انسانی آزاده، وارسته، عاشق، اندوه‌گین.

پس سپیدار عاشق است و راهی که سنگ نشانش،

انسانی عاشق است، راه عشق است، وادی عشق

است

«وادی عشق است از آن پس بی کنار». همان که

عاشقی در ابتدایش سرگردان ایستاده است.

«نرسیده به درخت / کوچه باغی است که از خواب

خدا سبزتر است» راه، راهی دل‌انگیز، سرسبز و

دوست‌داشتنی است، آنچنان سبز و باطراوت، آنچنان

سرزنده و هوشیار و پویا و آگاه که از خواب خدا

هوشیارتر و آگاه‌تر. یک تصویر پارادوکسی، «خواب

خدا»، خوابی که محض بیداری، هوشیاری و آگاهی

است و در اینجا می‌رسیم به وادی معرفت و معرفت

است که عشق را کامل می‌کند، عشق راستین به وجود

می‌آید و آسمان پرواز روشن و آبی می‌شود: «و در آن

عشق به اندازه‌ی پره‌ای صداقت آبی است».

«می‌روی تا ته آن کوچه / که از پشت بلوغ سر به در

می‌آرد». کوچه باغ معرفت را می‌پیمایی و عشق را با

اخلاص می‌آرائی تا به بلوغ می‌رسی، آن‌سوی بلوغ،

بلوغ تکامل است و بی‌نیازی و استغنا: «هست چارم

وادی استغنا صفت».

«پس به سمت گل تنهایی می پیچی»، تنهایی، یکتایی

گل است. گل، مظهر زیبایی و مرحله تجرد است و

اینجاست که متمایل به سمت گل تنهایی می‌شوی،

یعنی: توحید «هست پنجم وادی توحید پاک» توحید

پاک، گل تنهایی، وادی پنجم و دو وادی مانده:

«دو قدم مانده به گل»، پیش می‌روی تا نزدیکی، تا

دو قدمی گل، تا دو کمان مانده به او، شاید هم کمتر:

«باریابی به محفل کانجا / جبرئیل امین ندارد بار»

«دو قدم مانده به گل / پای فواره‌ی جاوید اساطیر

زمین می‌مانی»، آنجا می‌ایستی، توقف می‌کنی،

همانجا که اسطوره فوران می‌کند، اسطوره‌های زمین،

تبلور آرزوهای بشر، در قالب اسطوره‌ها آنجا ایستاده

اند و آنقدر زیاد که فوران می‌کنند.

«و تو را ترسی شفاف فرا می گیرد» ترس، آه، ترس

شفاف، ترس حاصل از آگاهی، حاصل از آنچه می‌بینی

نیست و همه هرچه هست معشوق است دیگر هیچ
:«هفتمین وادی فقر است و فنا/ بعد از آن راه و روش
نبود تورا»

براهنی، رضا. طلا در مس. چاپ سوم. تهران:
انتشارات زمان، ۱۳۵۸
شمیسا، سیروس. نقد شعر سهراب سپهری (نگاهی
به سپهری). تهران: انتشارات مروارید، ۱۳۷۰

نرگس آقائی، آموزش ابتدایی ۹۷

با چشم دل، آنچه حس می‌کنی، ترس شفاف، ترس
نه، که حیرت! حیرتی صعبناک! «پس ششم وادی
حیرت صعبناک»

«در صمیمیت سیال فضا/ خش خشی می‌شنوی»،
در آن فضای پر از صمیمیت، دوستی، یک رنگی،
در آن عالم ملکوتی، همه‌های به گوش می‌رسد،
همه‌های فرشتگان، آری فرشته، «کودکی می‌بینی»
فرشته است، پاک، معصوم، کودک فرشته است،
آگاهی ندارد، ذاتا معصوم است، فطرتا پاک است،
همان است که هست، کودکی می‌کند با معصومیت
فرشتگی خود.

«و از او می‌پرسی/ خانه‌ی دوست کجاست؟»، او
می‌داند خانه‌ی دوست کجاست و نه دیگری چرا که
پس از آن مرحله، دیگری در کار نیست. پس از این
مرحله رهروی در کار نیست، طالبی نیست، عاشقی



ورزش درمانی و معرفی گرایش آسیب شناسی و حرکات اصلاحی

به نام خدا

تا حالا پیش آمده جلوی آئینه ، به شانه هاتان نگاه کنید و متوجه شوید که یکی شان از دیگری افتاده تر است ؟

تا حالا کفش های کهنه و تازه تان را با هم مقایسه کردید و از خودتان پرسیدید که چرا کفش های قدیمی ام اینقدر کج و معوج شدند و از ریخت و قیافه اصلی شان خارج شدند ؟

به این فکر کردید برای تسکین کمردرد و زانو درد و بقیه ی درد مفاصل به جای داروهای مند درد ، مشکل را ریشه ای و به کمک ورزش رفع کنید ؟

بیانید این بار ورزش را نه برای حیطه ی قهرمانی ، همگانی و جنبه ی تفریحی اش بررسی کنیم ، بلکه برای درمان و بهبودی و بازسازی و ترمیم قوای از دست رفته به آن روی بیاوریم .

ورزش درمانی مجموعه فعالیت های فیزیکی گسترده ای است که بر بازسازی و ترمیم و حفظ تقویت ، انعطاف پذیری ، استقامت ، تعادل و ثبات بدن تاکید دارد و هدف آن کمک به بدن جهت کاهش درد و التهاب و همچنین بازگشت بیمار به وضعیت نرمال می باشد . در همین راستا می خواهم معرفی داشته باشم از گرایشی از رشته ی علوم ورزشی تحت عنوان آسیب شناسی و حرکات اصلاحی که یک دهه ی اخیر بسیار مورد توجه قرار گرفته و حتی بازار فیزیوتراپ ها را نیز از رونق انداخته است .

آسیب شناسی و حرکات اصلاحی شاخه ای از تربیت بدنی است که درصدد اصلاح و برطرف کردن ضعف ها و ناهنجاری های مختلف عضلانی ، ارگانیکی ، هماهنگی و تعادل با استفاده از حرکات و برنامه های دقیق و اصولی ورزش است .

ناهنجاری های وضعیتی را تغییرات نامطلوبی گویند که ساختار اسکلتی بدن و راستای طبیعی قامت را برهم می زند .

و هدف کلی از تشکیل این گرایش در رشته تربیت بدنی و علوم ورزشی تربیت فارغ التحصیلانی است که بتوانند آگاهی عمومی افراد جامعه را نسبت به ضعف ها و عوارض جسمانی و روحی و روانی خود را بالا برده و به اصلاح ، ترمیم و بازتوانی اندام های ضعیف خود از طریق حرکات مناسب و کنترل شده اقدام نمایند .

عارضه هایی چون ناهنجاری های اندام های فوقانی ، تنه و تحتانی مانند : افتادگی سر به طرفین ، سر به جلو ، گردن کوتاه ، شانه نابرابر ، کج پشتی ، گرد پشتی ، کمر

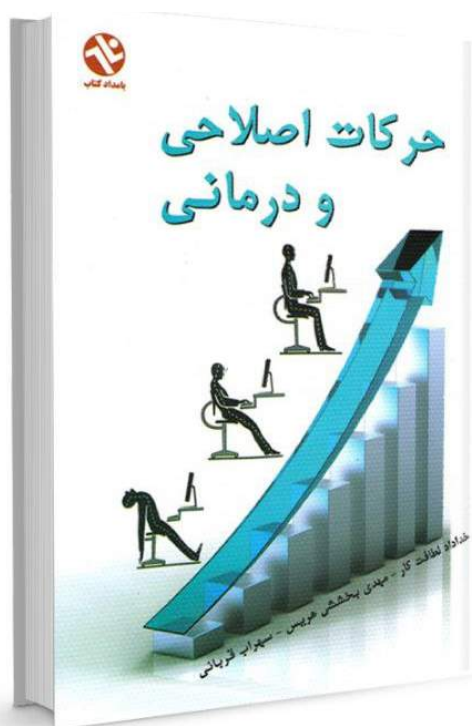
صاف ، ناهنجاری های کتف و ایمبالانس های عضلانی ، ناهنجاری های انگشتان ، انحراف لگن ، پاهای پرانتری ، X ، مشکلات مختلف زانو و کف پای صاف و

که می توان آن ها را با صبوری و پشتکار و دریافت برنامه ی درست و صحیح از کارشناسان و متخصصان این رشته در طول گذر زمان برطرف کنید و قوای از دست رفته را باز یابید و از نعمت بدن سالم و قوی بهره مند شوید .

حالا کسی می خواد که یک check up کامل داشته باشد ؟

در نسخه های بعدی شما را بیشتر با شیوه های درمان و گرایش های این رشته آشنا می کنم .

مناسیلانیان ، آموزش ابتدایی ورودی ۹۶



سخنرانی ریاست محترم مدیریت امور پردیس های استان کرمانشاه

دکتر مجید محمدی مدیریت امور پردیس های استان کرمانشاه در سخنرانی خود ضمن تشکر از زحمات جناب آقای دکتر خنیفر و و جناب آقای دکتر محمدی، معاونت فرهنگی دانشگاه فرهنگیان در سازمان مرکزی و قدردانی بابت برگزاری برنامه دوشنبه های قرآنی در دانشگاه فرهنگیان، مطالبی را از خود قرآن کریم در رابطه با قرآن بیان نمودند. ایشان نکاتی را در خصوص خلقت انسان و جایگاه ویژه قرآن، نزول آن از جانب خداوند عزیز و حکیم ذکر کردند. همچنین ادامه دادند که قرآن عزیز است یعنی شکست ناپذیر و هر آن کس که به هر میزان با قرآن ارتباط داشته باشد عزیز می شود و شکست ناپذیر. حکمت سخنی را می گویند که عقل سالم آن را بپذیرد و هر آن کس که به هر میزان با قرآن همنشین شود حکیم می شود. همچنین ادامه دادند که حال باید ببینیم که قرآن ناطق یعنی حضرت علی علیه السلام در رابطه با قرآن چه می فرمایند علی علیه السلام می فرمایند: بدانید که این قرآن شافعی است که شفاعتش نزد خدا پذیرفته می شود و هر کس در قیامت قرآن شفیع او باشد خداوند شفاعت قرآن را در رابطه با آن شخص می پذیرد و از پیروان قرآن باشید و در برابر آن، هواهای نفسانی خود را دشمن بدانید. ایشان در پایان صحبت های خود ضمن تشکر از تمامی دست اندرکاران، در خصوص ادامه دار بودن این برنامه ابراز امیدواری کردند و با ذکر حدیثی از پیامبر اکرم صلوات الله علیه تحت این عنوان که خانه های خودتان را با تلاوت قرآن نورانی کنید و آن را قبر نکنید صحبت های خود را به پایان بردند



های قرآن دوشنبه

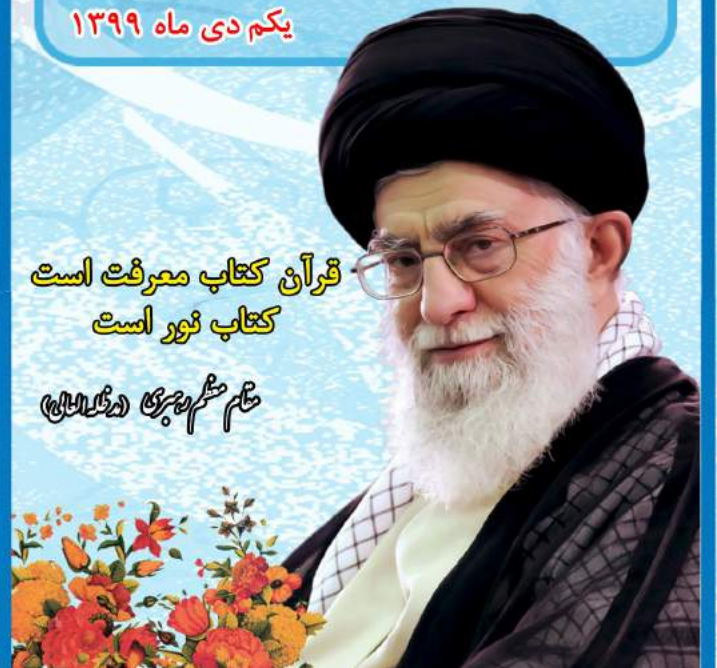


دانشگاه فرهنگیان
مدیریت امور پردیسهای
استان کرمانشاه

یکم دی ماه ۱۳۹۹

قرآن کتاب معرفت است
کتاب نور است

عالم علم و عرفان (علیه السلام)



سخنرانی حجت الاسلام و المسلمین دکتر قبادی مسئول نهاد نمایندگی ولی فقیه دانشگاه فرهنگیان کرمانشاه

دکتر قبادی در آغاز سخنان خود ضمن اشاره به اهمیت دانشگاه فرهنگیان و دانشجو معلمان و تشکر از تمامی کسانی که در برنامه دوشنبه های قرآنی تلاش کردند سخنانی را در رابطه با اهمیت قرآن در بین برنامه های دیگر جهت پیشبرد امورات بیان فرمودند همچنین ادامه دادند که قرآن مبارک است و از حقیقت پربرکت لایزال الهی نازل شده است و اینکه برهان بودن قرآن یک حقیقت محکمی است و در واقع کتابی است که نور مبین و آشکار و روشن بخش است قرآن کتابی است که برای اصلاح زندگی ما نازل شده است و طبق آیات کسانی که ایمان به خدا داشتند و تمسک به آیات جستند خداوند آن ها را در رحمت و فضل و برکتی از ناحیه خودش وارد میکند. ایشان به این نکته اشاره نمودند که ما در صورتی در صراط مستقیم قرار خواهیم گرفت که با توجه به قرآن عمل کنیم و تمسک به قرآن داشته باشیم حال با توجه به این نکات دانشگاه فرهنگیان برای اینکه یک دانشگاه قرآنی شود باید اعتصام به قرآن داشته باشد و در این دانشگاه باید حقیقت قرآن خودش را نشان بدهد که این خیلی مسئله مهمی است ایشان خاطر نشان کردند که ما باید مبنای کارهایمان مبنای قرآنی و الهی باشد و ما به هر میزانی که از مبنای قرآنی فاصله بگیریم از آن نورانیت قرآن فاصله گرفته ایم و علامت این که ما طبق مبانی قرآنی عمل کنیم چیست؟ این است که دشمنان ما معترض می شوند و عصبانی. دکتر قبادی در پایان سخنان خود ضمن اشاره به عملکرد بعضی ها در خصوص جدا کردن سردار دلها شهید حاج قاسم سلیمانی از مقام معظم رهبری و اینکه خداوند به ما توفیقی عنایت بفرماید تا اینکه به قرآن برگردیم سخنان خود را به پایان بردند.



سخنرانی ریاست محترم پردیس شهید رجایی استان کرمانشاه

دکتر اکبر پرویزی، ضمن عرض سلام و خسته نباشید حضور خانواده بزرگ دانشگاه فرهنگیان، دانشجویان گرانقدر و اساتید عزیز و کارکنان زحمتکش این دانشگاه، قرآن را پیوند دهنده همیشگی قلب ها و دل ها دانستند. همچنین ادامه دادند از دست اندرکاران این برنامه در سازمان مرکزی که محملی فراهم کردند که به واسطه معنویت قرآن بار دیگر کنار هم گرد آییم، کمال تشکر را داریم. دکتر پرویزی سخنان خود را با ذکر این نکته ادامه دادند که من از دنیای هنر آمده ام و میهمان فضل و دانش و ادب دوستان هستیم اما می خواهم همه دوستان در سراسر ایران را به کرمانشاه دعوت کنم و ادامه دادند که رهبری فرزانه انقلاب اسلامی فرمودند کرمانشاه نه تنها سینه ستبر ایران است بلکه چهره زیبای ایران اسلامی است و قطعاً حضرت آیت الله نجومی به عنوان یکی از مفاخر در حوزه دین، دانش، عرفان و هنر، سرآمد بودند و برای همیشه در تارک هنر و ادب و دانش کرمانشاه، ایران و جهان اسلام خواهد درخشید. دکتر پرویزی به نقل از جناب آقای سلطانی جملاتی را با این مضمون عنوان کردند که آیت الله نجومی شخصیتی می باشد که چیزی از انقلاب نگرفت بلکه به انقلاب حرمت داد چرا که بعد از انقلاب و قبل از انقلاب شخصیتی جامع داشتند و او حیثیت اسلام در کرمانشاه بود. همچنین ایشان ویژگی هایی در حوزه هنر خوشنویسی داشتند و در انواع خطوط اسلامی استاد مسلم بودند. در تجلید و تذهیب آثار جاودانه ای را خلق کرده اند و از جمله آثار ایشان می توان به رساله معنوی هنر خط، کیمیای هستی، فیض قلم و رساله ای در تعظیم شعائر اسلامی اشاره کرد. در پایان عکس هایی از آیت الله نجومی که توسط خود دکتر پرویزی گرفته شده بود به نمایش گذاشته شد.



جایگاه رفیع معلمی در قرآن حجت الاسلام والمسلمین محرابی

حجت الاسلام والمسلمین حاج آقا محرابی کارگاه قرآنی تحت عنوان جایگاه رفیع معلمی در قرآن ایشان ضمن تبریک ولادت با سعادت حضرت زینب سلام الله علیها به این نکته اشاره کردند که حضرت زینب علاوه بر شان پرستاری شان معلمی نیز داشته اند و دانشگاه فرهنگیان یکی از مهمترین دانشگاه های کشور می می باشد از این جهت که معلمانی را پرورش می دهد که آنها نسل های گوناگون را پرورش می دهند تا آن ها جامعه را بسازند و هدف معلمی پرورش دادن انسانها و آنها را سعادتمند و خوشبخت کردن است این دو مرحله دارد یکی مرحله آموزش و دیگری مرحله پرورش یا همان مرحله تعلیم و تربیت کار معلمی از دیدگاه قرآن کار خدایی است، کار پیامبران الهی است

تفسیر آیات برگزیده استاد فلاحي

تفسیر آیات برگزیده با موضوع شهید بودن و شهید شدن توسط استاد فلاحي و قرائت آیات برگزیده توسط قاری

برتر و کسب مقام اول در سی امین جشنواره کفعمری قرآن و معارف

دانشگاه فرهنگیان در بخشی حفظ ده چهره قرآن کریم توسط جناب آقای ویرنار جناب آقای فلاحي ضمن تشکر از دست اندرکاران برنامه دوشنبه های قرآنی کرمانشاه دلیل انتخاب عنوان شهید بودن و شهید شدن را اقتباس از فرمایشات شهید حاج قاسم سلیمانی دانستند همچنین ادامه دادند که در قرآن کریم ده آیه در مقام شهید وجود دارد در ادامه مصاحبه سرکار خانم دارابی کسب مقام اول در سی امین

جشنواره کفعمری قرآن و معارف دانشگاه فرهنگیان در بخشی ده چهره قرآن کریم و در ادامه نقاشی تصویر شهید سلیمانی توسط سرکار خانم بهردهان و خوشنویسی آیات توسط سرکار خانم اسفندیاری بصورت کلیپ همزمان با تلاوت آیات و توضیحات استاد فلاحي پخش شد



پاسخ به شبهات قرآنی حجت الاسلام والمسلمین صدیقی

ایشان سخنان خود را با ذکر آیه هفتم سوره آل عمران شروع کردند تحت این عنوان که هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أَمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ و همچنین ادامه دادند قرآن کریم دارای دو دسته آیه می باشد آیات محکم و آیات متشابه که امروزه جوان ما دوست دارد قرآن را

تجربه کند و هیچ اشکالی ندارد در ادامه دکتر مرادی مجری برنامه سوالی را که به گفته خود ایشان سوال دانشجویان در طول دوران تدریس بوده است را مطرح می فرماید با این مضمون که با وجود پیشرفت علم و تکنولوژی و اینکه قرآن برای حدود ۱۴ قرن پیش بوده، چه نیازی به آن هست؟ و آیا قرآن کارکرد دارد برای بشر؟ حاج آقا در ادامه و پاسخ به

این پرسش می فرمایند اگر کتاب هایی با عنوان انتظار بشر از دین و یا نقش دین در زندگی بشر و ... را در اینترنت جستجو کنید غبار نگرش قرآن و کهنه نشدن آن برای ما بیشتر مشخص می شود

روشنی های آموزش قرآن استاد حیدر پور

ایشان سخنان خود را با ذکر این نکته آغاز کردند که جدی ترین منتقد دانشگاه فرهنگیان مقام معظم رهبری می باشند و شرط لازم برای یک مدرس قرآن این است که خودش قرآن را خوب بخواند و اینکه قاری ممتاز قرآن باشد کافی نیست اما کسی که می خواهد روانخوانی و روخوانی قرآن کریم را درس بدهد باید دو سه سطح بالاتر باشد و کسی که قرآن را خوب می خواند ضرورتاً مدرس خوبی نیست زیرا آموزش قرآن کریم نیازمند روش است

دوشنبه های قرآنی به روایت تصویر





چستا

صفحه های مجازی:
chistamag.cfu@gmail.com
[@chistamag-cfu](https://www.instagram.com/chistamag-cfu)